



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ  
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى...

## نشریه عین

نشریه تخصصی مدرسه اسماء الحسنی

|            |         |               |
|------------|---------|---------------|
| شماره پنجم | سال اول | بهمن ماه ۱۴۰۴ |
|------------|---------|---------------|



طراحی و اجرا: گروه رسانه اسماء الحسنی

صفحه ۳- یادداشت سردبیر

صفحه ۴- علوم جدید؛ فرصت ها و تهدیدها (قسمت دوم)

صفحه ۶- پیروزی آسان نیست!

صفحه ۸- در مدار حیات

صفحه ۱۰- علم و مراتب آن

صفحه ۱۲- تشنه‌ی دیدنت هستم، ای در هر نقطه از زندگی جاری

صفحه ۱۴- برداشتی از واژه کیل



# اللا اله الا الله محمد بن عبد الله

## یادداشت سردبیر

### هاله مفیدی

نفوذ می‌کند. ریشه دوانده است. به دنبال توست. هر جا که باشی. نقطه‌ی بعدی حرکت کجاست؟ او تو را به سلامت می‌رساند. نشانت می‌دهد جهت کجاست. نمی‌توانی بایستی. باید بروی. هزاران گزینه رویروی توست. کدامش را باید انتخاب کرد؟ نکند بی‌راهه باشد؟ زمین بخوریم؟ منحرف بشویم؟ نه او هست. تمام است. همه چیز تمام. رقیق است. مهربان. دستگیر. در بالاترین مرتبه ولی جاری در تمام مراتب. می‌تواند تمام توان‌های درونی‌ات را فعال کند. بدون هدر رفت ذره‌ای از استعدادهایت. ذره‌ای منحرف شوی تو را برمی‌گرداند. نمی‌گذارد لحظه‌ای خواب بمانی. هیچ ابره‌ای باقی نمی‌ماند. همه چیز برای ت روشن می‌شود. همیشه در امنیت هستی. با هر سلیقه‌ای که داری به تمام آن‌چه که اراده کنی، خواهی رسید. امر شده است اگر ضعفی داری، قوتت بدهد. اگر طلبی داری، رهایت نکند. مرهم زخم‌هایت را فقط او می‌شناسد. رهایت نمی‌کند. تا تو روی برنگردانی او با توست. اصلاً آمده که تو را برساند. لحظه به لحظه رسول، نبی، امام، آن‌کس که دلسوزتر است از خودمان به ما. طبیب دوا‌ی گرداگرد شهر به دنبال جانهای آماده. فقط کافی است متوجهش باشیم. روی برنگردانیم. رهایش نکنیم. در این اقیانوس عمیق دنیا سوار بر کشتی روان رسول شویم و در امنیت وجود او ملحق به حق باشیم. برداشتی آزاد از صفات خاتم الانبیاء حالا که بهمن ماه عطر صلوات شعبانیه را می‌پراکند.



## علوم جدید؛ فرصت ها و تهدیدها (قسمت دوم)

انتخاب متن: سیده زهرا طباطبایی

### علوم جدید؛ فرصت ها و تهدیدها

از شماره پیشین نشریه، این ستون را به بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار با مسئولان و محققان ستاد توسعه علوم شناختی در سوم بهمن ماه سال ۱۳۹۷ اختصاص دادیم. ایشان در کل این به موضوع علوم جدید و پیشرفت‌ها، چالش‌ها و رویکرد صحیح نسبت به آن پرداختند.

### ۳. درِیچه‌های علم، مرحله‌های تحول بشر و زندگی او

همچنان که شما امروز از پدیده‌های ناشی از فناوری‌های برخاسته از علوم شناختی شگفت‌زده می‌شوید -علوم شناختی، یک فناوری‌هایی را به وجود می‌آورد؛ فرض بفرمایید ارتباط ذهن و مغز با ماشین؛ این یک چیزی نبوده که به ذهن کسی برسد [اما] امروز این وجود دارد - چیزهای فراوان دیگری وجود خواهد یافت در آینده که همین جور ما را شگفت‌زده خواهد کرد و امروز اصلاً به ذهنمان نمی‌رسد. هر کدام از این درِیچه‌هایی که خدای متعال بر روی بشر باز می‌کند -درِیچه‌های دانش، درِیچه‌های علم- یک مرحله‌ای برای تحوّل بشر و تحوّل زندگی بشر است. همچنان که مثلاً فرض کنید در اوایل قرن بیستم که فیزیک رشد کرد و وارد میدان شد و علوم مرتبط با فیزیک، همه‌ی فضاهای علمی و صنعتی دنیا را گرفت، شما می‌بینید زندگی در آن روز با زندگی در این روز از زمین تا آسمان فرق کرده، پنجاه سال دیگر زندگی بشر با زندگی امروز به مراتب فرق خواهد کرد؛ دنیای دیگری خواهد شد، تحوّل بنیانی‌ای به وجود خواهد آمد؛ یعنی آنچه ما امروز با آن مواجه هستیم و خطرات امروز، تهدیدهای امروز، فرصت‌های امروز، در پنجاه سال بعد از این ممکن است خطر نباشد، تهدید نباشد و فرصت نباشد؛ تهدیدهای جدیدی به وجود می‌آید، فرصت‌های جدیدی به وجود می‌آید.

فرض کنید امروز مثلاً برای یک دولت و یک کشور در زمینه قدرت نظامی، خب بمب اتم مثلاً یک ابزار تعیین‌کننده است؛ ممکن است پنجاه سال دیگر وضع دنیا جوری بشود که اهمّیّت بمب اتم، من باب مثال مثل یک توپ اورلیکن<sup>۱</sup> امروز باشد، اصلاً هیچ اهمّیّتی نداشته باشد. یعنی کسی این طرف دنیا بنشیند و بمب اتمی را که مثلاً در پنج هزار کیلومتری، ده هزار کیلومتری در آن طرف دنیا است، خنثی کند یا منفجر کند با یک ابزار ویژه‌ای که امروز وجود ندارد و آن روز وجود خواهد داشت؛ یعنی دنیا متحوّل خواهد شد.

۱. نوعی توپ ضدّ هوایی



## ۴. ذلت و استعمارزدگی در انتظار ملت عقب‌مانده از علوم جدید / سقوط آزاد در انتظار ملت غافل از علوم جدید

خب، می‌خواهیم چه نتیجه بگیریم؟ من می‌خواهم این را نتیجه بگیرم که هر ملتی که امروز در زمینه‌ی این دانش‌های جدید - که حالا این علوم شناختی و فناوری‌های مرتبط با علوم شناختی چیزهای جدید دنیایند دیگر؛ مثلاً بیست سی سال است که اینها وارد میدان دانش و علم و دانشگاه و پژوهشگاه شده‌اند - عقب بیفتد، سرنوشتش، سرنوشت آن ملت‌هایی است که در آغاز انقلاب صنعتی عقب افتادند و سرنوشتشان شد استعمارزدگی، شد زیر دست بودن، شد فقیر ماندن، شد ذلیل شدن. اگر ما امروز در زمینه علوم شناختی و فناوری‌های شناختی تلاش نکنیم، کار نکنیم، حرکت جدی نکنیم - چون دیگران دارند [کار] می‌کنند دیگر، با همه وجود دارند [تلاش] می‌کنند؛ امروز مثلاً فرض کنید ایشان نشان دادند که در زمینه هوش مصنوعی مثلاً ما چهاردهم هستیم در دنیا - اگر چنانچه یک ذره غفلت کنیم و خوابمان ببرد، به سرعت سقوط خواهیم کرد و پنجاه سال دیگر خواهیم شد پنجاهم، خواهیم شد صدم، یعنی دنیا از ما جلو می‌افتد و می‌رود. این نکته مهمی است و باید همه به این توجه کنند؛ هم شما دانشمندان و محققین و پژوهشگران باید به این توجه کنید یعنی شما دیگر شب و روز نباید بشناسید، هم مسئولین کشور و دولتی‌ها باید توجه کنند. اینکه بنده این همه روی مسئله‌ی علم تکیه می‌کنم، به خاطر این است.

ادامه دارد، ان شاء الله



## پیروزی آسان نیست!

انتخاب متن: سیده زهرا طباطبایی

مدتی پس از پایان جنگ بود که ایرانی‌ها توانستند اولین موشک نقطه‌زن را از چین تهیه کنند. پیش از آن، تنها موشک‌های اسکاد روسی را داشتند که موشک‌هایی با بُرد بلندتر، ولی با دقت کمتر بودند. دستیابی به موشک نقطه‌زن، می‌توانست یک پنجره جدید به روی توان موشکی ایران و از آن مهم‌تر به روی مهندسان و متخصصان کشور باشد. موشک چینی B610 سال ۶۹ وارد ایران شد و برای همین هم اسم ایرانی («تندر ۶۹») را روی آن گذاشتند.

موشک تندر با همان قدرت موتور، قابلیت افزایش بُرد را داشت؛ اما چینی‌ها می‌گفتند که برنامه نرم‌افزاری سیستم هدایت-کنترل آن، برای ایرانی‌ها روی برد ۱۲۰ کیلومتر قفل شده است. ایرانی‌ها خیلی خوب پیام این حرف تلخ را فهمیدند؛ آنها بدون دریافت بهای گران، کاری نمی‌کنند. مذاکره‌ای با چینی‌ها شروع شد تا بُرد موشک را افزایش دهند، اما جواب آنها تلخ بود: «(باید ۳۰ میلیون دلار بدهید تا بُرد معین همین موشک را ارتقا بدهیم. فقط هم کار متخصصان ماست).»

حسن طهرانی‌مقدم و طیفی از محققان مُخْلِص طاقت چنین تحقیر و وابستگی را نداشتند؛ فرمانده یگان موشکی ایران می‌خواست محققان خودشان درگیر این کار بشوند. بنابراین با شیوه همیشگی‌اش انرژی مثبت و حرارتی در گروه محققان برانگیخت تا طرح تحقیقاتی جدیدی برای انجام این کار نوشته شود. درست در روز ۱۵ دی ۱۳۷۳، کلید این پروژه مهم زده شد؛ قرار بود فقط با تسلط بر نرم‌افزار هدایت-کنترل موشک و بدون تغییر در سخت‌افزار، سوخت یا ابعاد موشک، بُرد موشک را به ۱۸۰ کیلومتر افزایش بدهند.

یک تیم ۲۰ نفره از مهندسان نخبه الکترونیک و کامپیوتر در یک ساختمان معمولی دو طبقه جمع شدند و کار مطالعه و مهندسی معکوس سیستم هدایت-کنترل تندر ۶۹ را آغاز کردند. طهرانی‌مقدم به بچه‌ها می‌گفت: «بچه‌ها ایشالا ما این کار را با نام مولا علی آغاز می‌کنیم و اسم این پروژه را ذوالفقار ۷۳ می‌ذاریم. نیت می‌کنیم از این پروژه استفاده کنیم علیه صهیونیست‌ها.»

بالاخره بعد از تلاش‌های شبانه‌روزی، موشک تندر ۶۹ با افزایش بُردی که دانشمندان ایرانی به آن داده و نامش را ذوالفقار گذاشته بودند، در سال ۱۳۷۵ آماده تست شد.



تستی که سه بار با شکست مواجه شد؛ شکست‌هایی که علاوه بر حس ناکامی، پر از زخم‌زبان‌های متعدد بود....

نوبت تست موشک ذوالفقار که رسید، فرمانده موشکی تعدادی از مسئولان را هم برای مشاهده پیشرفت پروژه دعوت کرد؛ اما بعد از پرتاب، موشک گم شد! تیم محققان از غصه سنگین شکست نمی‌خواستند با مهمانان تست روبرو شوند. اما طهرانی‌مقدم بهشان روحیه داد؛ او تکتک آنها را می‌شناخت و می‌دانست در روزگاری که همه دنبال رفاه و راحتی هستند، آنها چطور به جنگ پیچیده‌ترین مشکلات علمی و فنی رفته‌اند. به آنها امید داد که باید دوباره کارشان را شروع کنند و مشکل را رفع کنند.

در تست دوم، موشک به جای اوج گرفتن، همان جا شروع کرد به انحرافات عجیب و غریب و چند ثانیه بعد هم در مقابل چشمان هراسان همه خودکشی کرد! شکست این بار آنقدر سنگین بود که لب‌ها به گلیایه و انکار باز شد: «چند میلیون تومان رفت هوا و هیچ!» پاسخ حسن مقدم اما این بود که «این شکست‌ها به ما می‌گن که پیروزی آسون به دست نیاید؛ همین شکستا، بخشی از همون پیروزی هستند که هدف هممون به چنگ آوردنش».

بعد از ناکامی تست دوم، خیلی‌ها می‌گفتند که این پروژه باید تعطیل شود؛ می‌گفتند: - «بیخود نیست که چینی‌ها می‌گفتند ۳۰ میلیون دلار بدهید»

- «مگر شما جوان‌های ۳۰ ساله می‌تونید کاری رو که یه کشور صاحب تکنولوژی مثل چین انجام داده، انجام بدید؟!»

طراحان موشکی به یاد می‌آوردند که در بازدید از چین، چه آکادمی‌های عریض و طویلی روی این موضوعات کار می‌کردند؛ آکادمی‌هایی با ۱۰ هزار نیرو که ۲ هزار نفرشان درجه دکترا داشتند. اما ایرانی‌ها هم نمی‌توانستند دست روی دست بگذارند؛ حتی با کمتر از ۳۰ نفر هم تلاششان را می‌کردند.

تست سوم موشک بهتر بود؛ موشک توانست ۱۸۰ کیلومتر را طی کند، اما هنگام برخورد به زمین انفجار کاملی نداشت. باید یک بار دیگر تست می‌کردند. جواب طهرانی‌مقدم به تردید مسئولین برای ادامه این بود: «مگر راه دیگری هم داریم؟ ما که نمی‌خواهیم همیشه چشممون به بیرون باشه. دنیا همین راهو رفته، مطمئن باشید ما زودتر از اونا به نتیجه می‌رسیم.»

بار چهارم موشک آنقدر رام شده بود که کامل فرمان پذیرفت و به هدف اصابت کرد. حالا دیگر موشک چینی، به موشک نقطه‌زن ذوالفقار با بُرد ۱۸۰ کیلومتر تبدیل شده



بود؛ اما مهمتر از این افزایش بُرد، دانش سیستم پیچیده‌ی هدایت-کنترل موشک‌های نقطه‌زن بود که در دستان دانشمندان ایرانی قرار گرفته بود. برای فرمانده موشکی که آرزوهای دوربرد برای ایران داشت، این تازه آغاز راه بود.

برشی از کتاب مرد ابدی، به قلم سرکار خانم معصومه سپهری

## در مدار حیات

سیده زهرا رضوی

در شماره‌های قبل به ضرورت قرآن خواندن و لوازم تحقق قرائت، عبودیت خداوند و دستیابی به کمال با ساماندهی قوا و نیازها در جهت مقصد، قرائت قرآن و فهم حقایق از آن و فائق آمدن به موانع درونی حرکت، شناخت ابعاد قیام و لزوم توجه به آن جهت دستیابی به مقصد آن و منحرف‌نشدن از آنچه مطلوب بوده پرداخته شد. همه این موارد در کنار هم در متنی واحد فرد را کمک می‌کنند تا بتواند با قرآن زندگی کند و حیات حقیقی و مطلوبی که خداوند برای بندگان خود در نظر داشته را تجربه نماید. هر سوره از قرآن با غرضی هدایتی موضوعاتی را مطرح نموده و نیازی از نیازهای حقیقی انسان را پاسخ داده و او را به زندگی مؤمنانه فرامی‌خواند. زندگی‌ای مملو از رحمت و نور که در سایه تبعیت از آموزه‌های قرآن شکل گرفته است.

در صورتی‌که زندگی انسان بر اساس چهارچوب‌های غلط و خودساخته باشد؛

در صورتی‌که آن معیارهای غلط را مبنای عملکرد خود در زندگی قرار دهد؛

در صورتی‌که در استفاده از امکانات درونی و بیرونی دچار افراط و تفریط باشد؛

در صورتی‌که به آیات پیرامون خود توجه نکرده و عظمت خلقت و ربوبیت خداوند را مشاهده ننماید؛

در صورتی‌که...

قلب چنین انسانی نسبت به پذیرش حق سخت شده و دچار تکذیب می‌گردد و از عبودیت خدا فاصله می‌گیرد. لازم است انسان معیارهای درست زندگی را از قرآن



دریافت کند و این‌گونه از اغلال رها شود و با اعتدال در بهره‌مندی از امکانات از صفت ناشایست اسراف دور باشد و با مشاهده عظمت آیات الهی خشیت و نرمی قلب در پذیرش حق داشته باشد. در این صورت انذار رسول در او اثر کرده در مواجهه با ذکر (قرآن) آن را پذیرفته و به واسطه اقدام متناسب حیاتی نو در او جلوه می‌نماید. (برگرفته از سوره مبارکه یس)

هر سوره‌ای از سوره‌های قرآن با غرض هدایتی خاص برای هدایت انسان و برای رفع نیاز حقیقی او نازل شده است. در سوره کلمات و موضوعات و آیات مختلف کنار هم قرار گرفته تا از رهگذر توجه به آن‌ها مخاطب به هدایت و رحمت دست یابد. دقت در موضوع آیات، دسته‌بندی آیات هم موضوع به صورت ترتیبی، طبقه‌بندی موضوعی آیات، تفکیک آیات بر اساس ساختار انسان و ناس، تفکیک حقایق سوره، مشاهده یک موضوع در سوره و بررسی کل سوره بر اساس آن، شناسایی حقایق سوره و تفصیل همان حقایق و... گام‌به‌گام فرد را به فهم غرض سوره نزدیک می‌نماید. پذیرش ذکر جاری در آن سوره، محور قرار دادن حقایق و قوانین سوره برای زندگی، دوری از صفات ناشایست و نزدیک شدن به صفات مؤمنین سوره و در نهایت عمل به دانسته‌ها تجربه زندگی حقیقی را برای فرد به همراه خواهد داشت. این‌گونه فرد بستر تجلی اراده خدا در حیات‌بخشی خواهد بود. (برگرفته از کتاب گزیده روش‌های تدبیر در قرآن، درس چهارم)

تک‌تک سوره‌های قرآن بر قلب نازنین پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله نازل شده تا انسان در معرض انذار او قرار گرفته و با پذیرش ذکر و تبعیت از آن، انذار نتیجه بخشد و حیاتی نو در او جلوه‌گر شود و این‌گونه هدایت شده و رسانای آن باشد. روش‌های تدبیر سوره‌ای به ما کمک می‌کند تا به فهم یکپارچه از سوره دست‌یافته و موضوعات اصلی و فرعی آن را تشخیص دهیم و فضای منحصر به فرد سوره را شناخته و رزق خود را از آن برگیریم.



## علم و مراتب آن

سیده زهرا رضوی

«علم وصف ذاتی وجود است که هیچ چیز از او مخفی نیست و از ویژگی آن احاطه بر همه چیز است. این ویژگی به نسبت تجلی وجود ظهور یافته و کسی توان احاطه به آن را مگر به اذن او ندارد.

وجه دیگر علم، توان و قدرت او است که بر همه چیز سیطره یافته است و هیچ چیز از سیطره او خارج نیست.

وجه دیگر علم، وجودبخشی او است که موجب گسترش رحمت بر همه اشیا شده است.

تعلیم به معنای انتقال علم از جانب خداوند است که با وساطت اسماء و تنها با اذن او تحقق می‌یابد. اسماء مقام وساطت و شفاعت را به عهده دارند.

بدین ترتیب علم برای موجود به معنای آشکار بودن چیزی یا مخفی نبودن چیزی نزد اوست که به واسطه تعلیم الهی ایجاد می‌شود. این علم باعث توانمندی انسان به نسبت آن علم می‌شود. هر قدر علم نافع‌تر و محکم‌تر باشد قدرتی که فرد می‌یابد نیز بیشتر است.» (کتاب علم و تعلیم، فاتحه، ص ۴۳)

با درنظرداشتن تعریف علم و تعلیم از دیدگاه قرآنی آنچه مهم است قرار گرفتن در معرض علم و بهره‌مندی از تعلیم الهی است که در متن‌های قبل به منبع علم جهت رجوع، محرک رجوع به منبع و لوازم بهره‌مندی پرداختیم. اینکه جهت دستیابی به علم لازم است به منبعی رجوع کنیم که ما را به علم حقیقی متصل نماید و آن چیزی جز قرآن نیست. آنچه موجب رجوع ما به این منبع می‌شود نیاز حقیقی است که چون ظرفی از دریای بیکران قرآن علم را روزی ما می‌نماید. جهت تحقق این امر و وقوع تعلیم از متن قرآن، شناخت کلمات و موضوعات و سوره‌های قرآن ضروری و لازم است. آنچه دراین خصوص مطرح شد جز مختصری جهت آشنایی و طرح بحث نبود و قطعاً تحقق این امر نیازمند مطالعه و پیگیری از جانب علم‌آموز است.

پس از طرح بحث انجام شده در متون قبل و شناخت اجمالی از علم در مرتبه وجود تا بهره‌مندی از آن در مواجهه با مسائل و نیازها، می‌خواهیم شناختی تفصیلی‌تر از مراتب علم و جلوه آن در زندگی انسان پیدا کنیم و با این شناخت به سراغ پاسخ به سؤالاتی



همچون سؤالات زیر برویم:

- مبنای شکل‌گیری انواع علوم و شاخه‌شاخه شدن علم چیست؟  
- ارتباط علوم مختلفی که انسان برای پاسخ به نیازهایش از آن‌ها استفاده می‌کند با حقیقت علم چیست؟

- علم در صورتی که به درستی فهمیده شده به کار گرفته شود، دارای چه ویژگی‌ها و خصوصیات خواهد بود؟

- نقش به کارگیری درست علم در حاکمیت به چه صورت است؟

در دیدگاه اول مراتب علم متناسب با فاعل آن قابل تفکیک می‌شود. در این حالت دو مرتبه ذاتی و تعلیم از علم یاد می‌شود. یعنی یا علم ذاتی است که منحصرأ خداوند این‌گونه است یا علم به واسطه تعلیم واقع شده است که در موجودات این‌گونه است. علاوه بر این دیدگاه متناسب با ظهور و کارکرد علم می‌توان مراتب زیر را برای آن در نظر گرفت: (آیات مربوط به آیه الکرسی، کتاب علم و تعلیم، فاتحه، ص ۴۴)

مرتبه اول: ظهور علم باعث حیات و گسترش رحمت و موجب قوام هر اسمی است.

مرتبه دوم: ظهور علم بر مالکیت مطلق خداوند در آسمان‌ها و زمین تعلق می‌گیرد.

مرتبه سوم: ظهور علم را در مقام وساطت شافعین بیان می‌کند.

مرتبه چهارم: ظهور علم را در وسعت بخشی کرسی که مقام تدبیر آسمان‌ها و زمین است بیان می‌دارد.

مرتبه پنجم: ظهور علم را در مقام حفظ آسمان‌ها و زمین اعلان می‌دارد.

مرتبه ششم: ظهور علم را در ارائه دین و تبیین رشد و غی که اختصاصاً مربوط به زندگی انسان است بیان می‌کند.

مرتبه هفتم: ظهور علم را در مرتبه ولایت بر انسان و اخراج او از ظلمات به نور تبیین می‌کند.

هر قدر مراتب به سمت انتها می‌آیند، به سمت کارکرد سوق یافته و نقش آن، به ویژه در زندگی مشخص‌تر می‌شود.

علم در مرتبه اول: حیات آفرین است.

در مرتبه دوم: قدرت آفرین است.



در مرتبه سوم: سبب آفرین است.

در مرتبه چهارم: وسعت آفرین و قلمرو آفرین است.

در مرتبه پنجم: حفظ و عصمت آفرین است.

در مرتبه ششم: عبودیت، دین و مطلوب آفرین است.

در مرتبه هفتم: نور آفرین، فلاح آفرین و فوز آفرین است.

در شماره بعد به بیان جلوه‌های مراتب علم در زندگی انسان، شاخه‌ها، موضوعات و مسائل علم خواهیم پرداخت.

## تشنه دیدنت هستم، ای در هر نقطه از زندگی، جاری...

### کارگروه حیات

این بار نوبت طرح موضوع «آب» در کلاس است. باید قبل از کلاس، ذهنم را مرتب کنم. نمی‌خواهم فقط به بچه‌ها بگویم آب یعنی مایه حیات و بعد بروند سراغ زنگ بعد. نمی‌خواهم متن باشد، باید دانه دانه خصوصیات یگانه آب را تجربه کنند. با همه حواس خود درک کنند که اگر هر یک دانه از ویژگی‌هایش نباشد چه‌ها کم می‌شود از زندگی. لازم است چالشی هیجان انگیز طراحی کنم تا خودشان آب را کشف کنند و بشناسند، نه از هر منبع آگاهی، بلکه از نگاه آفریننده خود آب. یک بار دیگر ویژگی‌هایی از آب را که از کلام خالق دریافتم مرور می‌کنم:

– حیات بخش است. زندگی از او شروع می‌شود و جریان می‌گیرد و جانی تازه است برای هر چیز خشک و بی‌جان...

– اندازه دارد، در همه چیز، از برگ‌های ریحان و پره‌های پرتقال بگیر تا سلول‌های چشم و پوست حیوانات و انسان، از ابرهای آسمان تا رودخانه‌ها و یخچال‌های طبیعی، می‌داند چقدر باید باشد تا نه کم باشد. و نه ویران کند ...

– هوشمندانه، هنرمندانه و باساخت در همه چیز نفوذ می‌کند، ترکیب می‌شود، با هر چیز درمی‌آمیزد و در عین حال، خودش زلال بیرون می‌آید.

– همه جا می‌چرخد و به شکل‌های گوناگون (بخار، ابر، باران، رود، دریا و...) تبدیل



می‌شود و در چرخه‌های متوالی، زندگی‌ها می‌سازد...

- پاک است و پاک‌کننده؛ هر جا می‌رود، گرد و غبارها، زنگارها و آلودگی‌ها را می‌شوید و از بین می‌برد...

- پر خیر و برکت است و می‌تواند فراوانی‌ها ایجاد کند...

- تنوع رنگ در دنیای اطراف مرهون تاثیر اوست، بدون او دنیای ما رنگ می‌بخت، نه رنگی می‌ماند، نه رویشی، نه زایشی. آب است که می‌رویانند، تکثیر می‌کند و می‌افزاید و زمین را پر از گونه و تنوع می‌کند.

تصور کن خودت کودک هستی و می‌توانی یک بار دیگر با درک این ویژگی‌ها زندگی کنی و قد بکشی... اگر کودکی هایت را بگذرانی با آب دادن به زمین و باغچه خشک، با راه رفتن در رودخانه و شالیزار، با شمارش ابرها و بوییدن نم باران، لمس شبنم روی برگ، آب گرفتن دانه‌های انار و لیمو، پیمانه کردن آب و شمردن برکه‌ها، خیس کردن دانه برنج و لوبیا، با گل‌سازی و رنگ‌سازی با آب، شستن گل و لای و لکه‌ها با آب و... زندگی بخشی آب را بهتر نوش جانست نکرده‌ای؟

اگر نوجوانی‌ات را با توجه به حذف آلودگی‌ها با آب وضو، با مشاهده حضور آب در هر لحظه واکنش‌هایی مثل فتوسنتز، با مشاهده و کشف توان جالب آب در ترکیب و نفوذ در هر چیز سخت و نفوذ ناپذیربگذرانی، خودت هم زلال تر، پاک‌کننده تر، روان تر، منعطف تر و پذیرا تر نمی‌شوی؟

اگر در چالش محاسبه آب‌رسانی به هر نقطه از برگ، جنگل، سرزمین‌ها و قاره‌ها قرار بگیری، به دانایی و حساب‌گری و قدرت آفریننده آب بهتر پی نمی‌بری، بیشتر باورش نمی‌کنی؟

اگر خودت نقش آب را در ایجاد این همه رنگ، این تنوع از موجودات زنده در طبیعت و این همه آبادانی مزارع، پیدا کنی، دیگر از هر زمین بی‌کشت و کارها شده، بی‌تفاوت، بدون هیچ ایده و خلاقیتی برای رساندن آب و آبادانی به آن جا، عبور می‌کنی؟

اصلاً دیگر می‌توانی از آب به این سادگی‌ها عبور کنی؟ تشنه تر از قبل، در هر نقطه از زندگی، به دنبالش نمی‌گردی؟



## برداستی از واژه کیل

شهربانو کندی

### مقدمه

#### اندازه‌گیری

یکی از مهم‌ترین اصطلاحات علمی در علم ریاضیات اندازه‌گیری است. این اصطلاح با اصطلاح قیاس در کنار هم دیده می‌شوند. در دانشنامه‌ها اندازه‌گیری یا قیاس، انتساب یک عدد به مشخصه یک شی یا واقعه است که می‌تواند با اشیای رویدادهای دیگر مقایسه شود. مانند اندازه‌گیری با کولیس، ریزسنج، خطکش، ترازو، دماسنج، سرعت‌سنج، ولت‌سنج، سختی‌سنج، زبری سنج، بادسنج، ژرفاسنج، زاویه‌سنج، آب‌سنج یا فشارسنج. این فرایند می‌تواند شامل برآورد اندازه ویژگی‌های یک چیز مانند طول یا وزن آن نسبت به یکاهای اندازه‌گیری استاندارد، مانند متر و کیلوگرم باشد.

هر نوع ویژگی فیزیکی را می‌توان با استفاده از وسایل اندازه‌گیری مناسب آن فرایند اندازه گرفت. کیفیت‌های فیزیکی مانند مسافت، سرعت، انرژی، دما و زمان ازجمله این ویژگی‌ها هستند.

به بیان دیگر سنجش عبارت است از مقایسه عددی یک کمیت مجهول با مقداری معلوم از همان کمیت که اصطلاحاً «واحد» یا یکا نامیده می‌شود. واحد (یکای) های استاندارد که برای هر کمیت تعیین می‌گردد بر طبق قراردادهای بین المللی تعیین شده است. مقداری را که ما از هر اندازه‌گیری به دست می‌آوریم نشان می‌دهد که مقدار اندازه‌گیری شده در واقع چند برابر مقدار یکای آن کمیت است.

#### یکای اندازه‌گیری

واحد یا یکای اندازه‌گیری به یک مقدار معین و ثابتی گفته می‌شود که به عنوان یک معیار برای اندازه‌گیری و شمارش یک کمیت فیزیکی مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکاهای اندازه‌گیری یا به صورت یک شی و یا در قالب یک پدیده تعریف می‌شوند. برای مقایسه پذیر بودن اعداد بدست آمده در اندازه‌گیری، نیاز است تا واحدها مربوط به یک کمیت مقداری ثابت بوده و در شرایط فیزیکی تعریف شده در دسترس باشد. این واحدها در طی یک سری قراردادهای بین المللی در بین دانشمندان تعریف می‌شود که متولی آن سازمان جهانی یکاها (SI) است. اهمیت واحد ها آتجا بیشتر میشود که باید شناخت دقیقی از هر کدام داشته باشیم تا بتوانیم با بهترین واحد و در مقیاس درست، اندازه‌گیری را انجام داده و مقدار آن را گزارش کنیم. به عنوان مثال



میلی‌متر، کیلومتر و سال نوری همگی به عنوان واحد‌های اندازه‌گیری فاصله و طول شناخته می‌شود ولی هر کدام در جای خود به عنوان یکا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### واحد اندازه‌گیری در قرآن

درباره اندازه و اندازه‌گیری واژه‌های متعددی در قرآن به کار رفته است. واژه‌هایی نظیر ثقل، وزن، کیل، ذره و ... از این دست هستند. کیل یکی از واژه‌های پرکاربرد قرآن در این زمینه است. حضرت آیت الله جوادی کار ویژه حضرت میکائیل (میکال) را با کیل مرتبط می‌دانند.

با توجه به اهمیت اندازه‌گیری و جدایی ناپذیر بودن آن از زندگی انسان‌ها و موجودات و هستی باید مقیاس‌های مختلف اندازه‌گیری را به درستی شناخت و شاید بازتعریف نمود. این امر در برخی بلاد به طور طبیعی اتفاق می‌افتد. به محض نیاز یا ورود به عرصه‌های جدید همانطور که واژه‌ها و موضوعات مرتبط با آن را بومی‌سازی می‌کنند یکاهای اندازه‌گیری را نیز بومی‌سازی می‌کنند. مثلاً اگر اسکناس و اعتبار مبنای داد و ستد قرار می‌گیرد، بلاد مختلف بنا به منافع خود و میزان اهمیت بومی سازی واحدها حتی معیارسازی می‌کنند. بنابراین حتی می‌توان ادعا کرد که استانداردهای بین المللی منفعت طلبانه وضع شده است و در صورت لزوم باید آنها را تغییر داد.

### معنای ریشه کیل در لغتنامه‌ها

#### ریشه کیل در لغت نامه‌های غیر قرآنی مقایس اللغة و لسان العرب

– کیل: ظرف یا ابزار گودی که مقیاس اندازه‌گیری در معاملات است.

– کپول: فندک بدون آتش که فقط دود سیاه بدهد / فردی که در صف آخر لشکر است و نمی‌جنگد / ترسو / زمین یا فردی که به بقیه مشرف است تا ببیند چه پیش می‌آید

– مواکله: مقایسه، مسابقه، مقابله به مثل کردن، معامله پایاپای

– کیل: واحد اندازه‌گیری در مدینه که برای خرما و از این قبیل به کار می‌رود در مقابل وزن که واحد اندازه‌گیری در مکه بوده و برای امثال طلا و نقره و ... به کار می‌رفته است.

– کال: دادن

– اکتیال: گرفتن

جمع‌بندی: ظرفیت دادن چیزی یا ابزار فعلی که مقیاس اندازه‌گیری قرار می‌گیرد.

#### ریشه کیل در لغت نامه قرآنی التحقیق

تعیین مقدار و کمّیت (تعداد) چیزی به وسیله ابزاری است که برای این کار فراهم شده است



## کاربردهای قرآنی ریشه کیل

- در برخی آیات کیل به معنای مکیال به عنوان ابزار سنجش به کار رفته است مانند میزان.

الأنعام: ۱۵۲ وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُوا نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَ بَعِّهْدِ اللَّهُ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

- مکیال ابزار سنجش حجمی (بیمانه) در مقابل میزان ابزار سنجش وزنی است.

هود: ۸۴ وَ إِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ وَ لَا تَنقُصُوا الْمِكْيَالَ وَ الْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ

- کیل به معنای طعمای است که مقدار آن با ابزاری سنجیده می شود.

یوسف: ۶۰ فَإِنْ لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَ لَا تَقْرَبُونَ

یوسف: ۶۳ فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أٰبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعْ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسَلَ مَعَنَا آخَانَا نَكْتُلْهُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ

- مقداری از طعام که یک شتر می تواند حمل کند را کیل بعیر گویند

یوسف: ۶۵ وَ لَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَ جَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَ نَمِيرُ أَهْلَنَا وَ نَحْفَظُ أَخَانَا وَ نَزِدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكُ كَيْلُ يَسِيرٍ

- اکتیال به معنای گرفتن طعام است با کیل، در صورتی که با کیل معامله شود.

- کال به معنای دادن طعام است با کیل در صورتی که با کیل معامله شود.

الشعراء: ۱۸۱ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ

المطففين: ۲ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ

المطففين: ۳ وَ إِذَا كَالُوا لَهُمْ أَوْ وَزَنُوا لَهُمْ يُخْسِرُونَ

## جمع بندی لغت نامه ها و کاربردهای قرآنی و معنای واژه در علوم پایه

کیل: مقداری از چیزی که مقیاس اندازه گیری شده است

### معنای علوم پایه ای برای واژه

کیل: واحد اندازه گیری بر اساس شیء است که به نسبت آن شیء متغیر است



## جایگاه واژه در علوم پایه

### حجم

حجم یا گنج کمیتی از فضای سه بعدی است که با یک مرز مشخص محدود شده است برای نمونه فضای اشغالی یک ماده (جامد، گاز، مایع، پلاسما) یا شکل آن.

حجم، یک یکای فرعی اس آی است که واحد آن، متر به توان ۳ (متر مکعب) می باشد. میزان حجم یک ظرف، برابر است با حجم سیالی که آن را پر می کند.

سایر واحدهای اندازه گیری حجم عبارتند از:

- بشکه

- پیمانه

- سانتی متر مکعب

- گالون

- لیتر

- پک

- پینت

- کوارت

- درام

آنچه در تفاوت واحدهای اندازه گیری رایج و معنای کیل در قرآن وجود دارد این است که واحدهای اندازه گیری رایج برای حجم اندازه های کاملاً مشخص و تعریف شده ای دارند که همگی بر پایه میلی لیتر یا میلی متر مکعب و اندازه گیری مایعات است. ولی در آنچه در قرآن آمده هیچ انحصاری در این موضوع دیده نمی شود. بعلاوه کیل واحد اندازه گیری است که می تواند متغیر باشد. یعنی در قرآن پیمانه کردن و واحد اندازه گیری حجم بیان شده که می تواند در اقلیم های مختلف و در داد و ستدهای مختلف متفاوت باشد. و اساس اندازه گیری با پیمانه به کیل ارتباط دارد که اتفاقاً در علوم روز معادلی برای آن وجود ندارد.

### نتیجه گیری

به نظر می رسد بر اساس علوم روز، واحدهای اندازه گیری حجم واحدهای اندازه گیری فرعی به شمار می روند ولی واحد اندازه گیری کیل از واحدهای مهم اندازه گیری در قرآن و روایات به شمار می رود. با توجه به وجود واحد اندازه گیری بشکه در معاملات نفتی یا واحدهای اندازه گیری



حجمی در آزمایشگاه ها می توان گفت که اتفاقا در دنیای امروز نیز یکی از مهم ترین واحدهای کاربردی در اندازه گیری، واحد های حجمی است. وجود واحدهای اندازه گیری وزن و کیل در قرآن بر وجود دو سنخ دارایی مهم در بلاد اشاره دارند.

دارایی هایی از سنخ خوراک که مصرف روزانه و قیمت پایین تری دارند و دارایی هایی از سنخ طلا و نقره که بیشتر سرمایه فرد محسوب می شوند. شاید از اینجا بتوان گفت که ذخایری مانند نفت و گاز و ... دارایی های از سنخ سرمایه اند و نباید برای گذران امورات یک جامعه بشکه بشکه و روزانه به فروش برسند. بعلاوه رونق اعتبار به جای طلا و نقره در معاملات و جایگزینی طلا و نقره با اعتبار به عنوان سرمایه نیز با نگاه به احکام آن باید بازبینی شود تا نه مسئله ربا بوجود آید و نه مشکل فرار از زکات.

از طرفی در روابط انسانی در جامعه دینی وقتی کیل به جا استفاده شود هم قیمت ها باید افت کند و هم دست بخشنده افراد باید بیشتر شود و هم نیازهای اولیه به سرعت رفع و رجوع شود.

از سویی می توان واحدهای جدیدتری برای اندازه گیری حجم ثبت نمود. مثلا آنچه با یک مرکب مشخص می شود می تواند واحد اندازه گیری حجم به شمار رود. در دنیای امروز این مسئله کاملا مشخص است که یک کارتون یا یک کانتینر یا یک کامیون چه میزان مشخصی از اشیای مشخصی را می تواند حمل کند ولی این اندازه گاهی حجمی و گاهی وزنی محاسبه می شود. مهم این است که این تغییر نگاه در گزینش واحدهای اندازه گیری می تواند دامنه گسترده تری یابد و با رجوع به الگوی موجود در متون دینی بر اساس نیازهای اقلیم های مختلف واحدهای جدیدتری بوجود آید و صرفا به نفع یک اقلیم بخصوص انتخاب نشود.



نیت جمع ما نشر معارف قرآنی در قالبی جذاب و محتوایی  
غنی است.

اگر در این راستا ایده‌ای برای بهبود مطالب نشریه به  
نظرتان می‌رسد،

بسیار خوشحال می‌شویم که با ما در میان بگذارید.

<https://ble.ir/hmofidi>

